

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ نومبر ۲۰۲۲

بررسی جنایات جنگی در افغانستان!

پنجشنبه - ۰۳ قوس ۱۴۰۱ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "فضل احمد معنوی" وزیر عدلیه در حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی"، گویا اسنادی از جنایات جنگی طالب جمع آوری نموده و از دید خودش به یگانه منبع با صلاحیت جهت رسیدگی به چنین قضایائی یعنی "دادگاه لاهه" سپرده است. در یادداشت امروز مکتب کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- قبل از همه چیز باید بنویسم که دادخواهی و به محاکمه کشاندن جنایتکاران ۴ و نیم دهه اخیر، وظیفه ایست که از جانب جانبازان راه آزادی میهن و قربانیان تجاوزات پبهام امپریالیستی و سگ جنگی های دهاره های اسلام سیاسی، بر دوش فرد فرد باشندگان این میهن غرقه درخون گذاشته شده است. تنها کسانی مخالف چنین دادخواهی می توانند باشند و یا با فیصله های ننگین شان می خواهند بر آن خاک فراموشی بریزند که دستان خودشان تا مرفق به خون خلق ما آغشته می باشد.

۲- هرگاه سرآغاز تحقیق مان را از فاجعه ثور ۱۳۵۷ بدین سو انتخاب نمایم و از جنایاتی که قبل از آن صورت گرفته، در جای دیگری بحث نمایم، دیده می شود که جنایت جنگی، قتل عام و جنایت علیه بشریت در تمام اشکال آن از همان نخستین روز حاکمیت مزدوران روس آغاز یافته و تا امروز با فراز و فرود هائی ادامه داشته است.

یعنی هرگاه قرار باشد جنایتکاران، ناقضان حقوق بشر و قتل عام کنندگان را در این بازه زمانی معرفی داریم می باید بدون حب و بغض "علی و عمر"، "شیعه و سنی"، "پشتون و تاجیک، هزاره و ازبیک و .." تحقیق و حکم نموده، حقی را که جانبازان راه رهائی کشور و بهروزی مردم آن و قربانیان این دوره بر ما دارند، ادا نمایم.

۳- این را بدانیم و بپذیریم که جنایت، جنایت است می خواهد توسط تره کی و امین خلقی صورت گرفته باشد یا ببرک و نجیب پرچمی، می خواهد توسط گلبدین اخوانی پشتون تبار صورت گرفته باشد، یا مسعود تاجیک تبار و یا مزاری هزاره تبار و یا دوستم ازبیک تبار و یا توسط سربازان شوروی متوفا و یا ارتش خونخوار امپریالیسم امریکا و بقیه شرکاء...

یعنی وقتی جنایت را محکوم می نمایم هویت و تعلق قومی، مذهبی و حزبی و کشوری افراد و نیروها را نباید در قضاوت مان دخیل بسازیم. این جرأت، شهامت و شرافت و وجدان را داشته باشیم که هر جنایتی را در هر کجائی که صورت گرفته، آشکار و مستند سازی نموده، بستر و زمینه محاکمه جنایتکاران را مساعد بسازیم.

یعنی به همان سان که وظیفه داریم تا بررسی مان را از همان آغاز ۷ ثور ۱۳۵۷ و کشتار خاندان رئیس جمهور داوود آغاز نمایم و به تعقیب کشتار مردم نورستان، کتر به ویژه کرهالی، دره صوف، بامیان، هرات در زمان "تره کی -

امین" ادامه می دهیم، وجدان ما حکم می نماید که تحقیقات مان را در کشتار کابل و بقیه ولات کشور حین حاکمیت ببرک- نجیب و اشغال کشور به وسیله روسها پیش ببریم.

به این هم اکتفاء ننمائیم قتل های عامی که داعیان اسلام سیاسی از گلبدین گرفته تا مسعود در اقاصا نقاط کشور از کوهدامن و کوهستان گرفته تا پنجشیر، چاه آهو، تخار و بدخشان، هرات و فاریاب و در نهایت شهر کابل و خلق فاجعه هائی چون فاجعه افشار، انجام داده اند نیز از قلم دور نیندازیم.

از آنجائی که جنایت و کشتار و قتل عام بیگناهان به همین خلاصه نمی شود بلکه با حاکمیت طالب بر کشور، از مزار و یکاولنگ و بقیه نقاط کشور درجات دیگری را به نمایش می گذارد و در دوام آن بمبارانهای کور امپریالیسم امریکا و شرکاء یکرروز در فراه عروسی ها به ماتم خانه تبدیل می نماید و روز دیگر در قندوز برای چند لیتر بنزین ۱۴۱ هموطن مارا زنده زنده جز غاله می سازند، وجدان حکم می نماید تا مجریان تمام این جنایات به پاسخگویی کشانده شوند.

۴- برگردیم به مستند سازی ویا استغاثه "فضل احمد معنوی".

به ارتباط استغاثه ایشان می توان گفت: می شد ذهنیت دادخواهی ایشان را ارج گذاشت، مشروط براین که در آن دادخواهی این دو نکته وجود نمی داشت:

الف- آقای "معنوی" بدون آن که بدانند و شاید هم آگاهانه با سپردن چنان اسنادی به دیوان نام نهاد لاهه، عملاً به کشور ها و قدرت های امپریالیستی حق داده اند که می توانند راجع به عملکرد بقیه جهان تصمیم بگیرند. این یعنی دست دراز استعمار و امپریالیسم را باز گذاشتن. آقای "معنوی" هیچ نمی خواهد بداند که چنین نهادهایی بازوی قضائی استعمار و امپریالیسم اند و فقط در قبال محکوم نمودن خلقهای جهان و حاکمان کم قدرت و یا بی قدرت کشور های عقب نگه داشته و فقیر صلاحیت اجرایی دارند. چنین دادگاه ها و دیوان هائی نه تنها تحال نتوانسته بلکه من بعد هم قادر نخواهد شد، جنایتکارانی در قد و قامت "بوش ها- پسر و پدر"، "کلینت ها- زن و شوهر"، "نیانیاهوها، تونی بلیر ها، شرودرها" حتا "بن سلمان ها"، کوچکترین اقدامی نماید.

آقای "معنوی" نمی خواهد بفهمد که با راجع ساختن قضایا به محاکمی از سنخ دیوان لاهه، در حقیقت چماقی را به دست قدرت های امپریالیستی می دهد تا در معاملات جنایتکارانه شان علیه خلقها، از چماق برای سرکوب خلق و حصول سود بیشتر در معامله با نوکران شان استفاده نمایند.

- نکته دوم، انتخاب گزینشی جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و قتل عام در یک مورد خاص است. یعنی هرگاه ایشان این وجدان و شرف را می داشتند که در کنار مستند ساختن جنایات طالب، جنایات مسعود- ربانی و گلبدین سیاف و مزاری را نیز مستند می ساختند و در آن میانه نقش شخص خودشان را در فاجعه افشار بیان می نمودند و همچنان جنایات اشغالگران روسی، امریکائی، المانی، بریتانیائی، ایتالیائی، فرانسوی، استرالیائی و بقیه متجاوزان همراه با امپریالیسم امریکا را نیز مستند می ساختند، در آن صورت می شد به کارشان ارج گذاشت.

هموطنان گرامی! به محاکمه کشانیدن مرده و زنده جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر در ۴ و نیم دهه اخیر یکی از وظایفی است که همه ما مکلف هستیم در جهت آن تلاش نمائیم، مگر این نکته را نیز باید بدانیم یگانه مرجع صاحب صلاحیت بررسی آن جنایات، دادگاه هائی است که در زمانش خلق افغانستان در داخل کشور آزادانه و مستقلانه دایر خواهند نمود. برای رسیدن به چنان زمانی نخست می باید، طالب را به گورستان تاریخ فرستاد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!